

بررسی و تبیین انواع گوناگون سبک تدریس

طاهره غلامی^۱

^۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و کاوش انواع سبک تدریس بود. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در کنار چارچوب نظری مرتبط با تفکر انتقادی گرفته است و از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده گردید. بدین منظور ابتدا تعاریف مختلف سبک تدریس ارائه گردیده است سپس نظریه‌های مختلف مرتبط با سبک تدریس مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه ابزارهای مختلفی که به سنجش سبک های تدریس می‌پردازند معرفی شده است، در نهایت نیز مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: تدریس، سبک تدریس، آموزش.

مقدمه

قبل از شروع بحث درباره سبک تدریس ابتدا باید مشخص نمود که سازه چیست؟ تفاوت بین سازه و واژه چیست؟ مفهوم یکی از وسیع ترین و اساسی ترین وسیله اولیه در علم و عمل است به عبارتی بدون مفهوم علم و عمل معنایی ندارد. خود مفهوم برای توصیف جهان به کار می رود و کوچکترین واحد تعریف پارادایمی است. مثلاً در پارادایم رفتارگرایی هیچ مفهوم ذهنی وجود ندارد، در نظریه های نوسازی مفاهیمی مثل تسلط، استثمار و وابستگی وجود ندارد و در نتیجه این چیزها دیده نمی شود و یا در نظریه های دیگر فقط این مفاهیم ارائه داده می شود. «ساده ترین و مختصرترین تعریف و یا استنباط از یک شیء، حیوان، واقعه یا رفتار، مثل درخت، سنگ، عشق، میل به جنگیدن (نوعی استنباط از پدیده های اجتماعی)». واژه نیز بر حسب یا نام ایده است (تویت، ۲۰۱۳).

اما سازه عبارت است از مفهومی که خود از ترکیب چند مفهوم دیگر به وجود آمده است یا به عبارتی سازه مفهومی است که دو یا چند بعد داشته باشد مانند: از خود بیگانگی یا هوش که سازه هستند. اما مفهوم تصویر یا انعکاس واقعیت است، مفهوم تصویر فکری چیزها است. مفهوم ایده و یا اندیشه است. مفهوم تجرید ناشی از تجربه مشترک است. بنابراین می توان گفت که سازه کلی تر از مفهوم است. با دانستن تفاوت بین سازه و مفهوم بحث درباره سازه سبک تدریس قابل فهم تر خواهد بود (بورسکی، ۲۰۰۴).

۱. تعریف سازه سبک تدریس

امروزه کلاس های درس، محیط های اجتماعی هستند که هدف آنها تسهیل یادگیری در فراگیران است. بی شک فراهم کردن جو کلاسی مناسب لازمه فرایند یاددهی-یادگیری است. سبک تدریس^۲ کنش متقابل آموزش دهنده و فراگیر است که در این تعامل آموزش دهنده با برنامه ریزی تلاش می کند تا شرایط مطلوب تغییر را به وجود آورد. همانند فراگیران، مربیان نیز دارای سبک های تدریس ترجیحی خود هستند، در واقع سبک تدریس طرحی است که برای آموزش در کلاس درس یا در حالت آموزش فردی به کار برده می شود و در فرایند کلاسی از تاثیر بسزایی برخوردار است (بهرنگی، ۱۳۹۴). در تعریفی دیگر می توان سبک تدریس را شامل رفتارهای شخصی آموزش دهنده و شیوه های آموزشی مورد استفاده ایشان در انتقال اطلاعات به فراگیران تلقی کرد.^۳

یاکسل^۴ (۲۰۰۸) این تعریف را از سبک تدریس ارائه می دهد: سبک تدریس بیانگر خصوصیات شخصی و رفتاری غالب و با دوام آموزشگر^۵ است که در ضمن رهبری و مدیریت کلاس^۶ درس خود را آشکار می سازد؛ به عبارت دیگر سبک تدریس نماینگر خصوصیات و ویژگی های با دوام آموزشگر و مشخص کننده نوع رفتار وی در کلاس درس است. با این حال در پیشینه این موضوع تعاریف و انواع متفاوتی از سبک تدریس ذکر شده است. رئوس کلی برخی از این تعاریف عبارتند از:

۱. مدل کلی برای رفتار در کلاس درس ۲. رفتارهای رایج تمام معلمان ۳. روش های تدریس به کار گرفته شده (در اینجا روش های تدریس مترادف با سبک تدریس دانسته شده است) ۴. نقش هایی که معلم متناسب با شرایط ایفا می کند (معلم گاهی تسهیل گر است و گاهی مشاور).

^۱. Tweet

^۲. Teaching style

^۳. www. Gregorc AF

^۴. Yüksel

^۵. Educator

^۶. Class management

به طور کلی سبک تدریس به رفتار مدرس و وسایل مورد استفاده وی در خلال تعامل با یادگیرندگان اطلاق می شود. ویژگی های شخصیتی مدرس تعیین می کند که چه سبکی را مورد استفاده قرار دهد (بنتهام، ۲۰۰۲).

از دید روانشناسان تربیتی یکی از مهم موضوعات با اهمیت روانشناسی تربیتی مدیریت کلاس درس معرفی می شود (امر و استو^۱، ۲۰۰۱). هر معلمی مجموعه راهکارهای منحصر به فردی در فعالیتهای آموزشی خود دارد که غالباً در طول زمان و مکان ثابت هستند. شیوه های مختلف معلمی که به سبک تدریس معروف است همچون سبک های یادگیری دانش آموزان هستند که معلمان به تجربه یاد گرفته اند این سبک ها برای آموزش های کلاسی آنها کارا هستند. بران سبک های تدریس را به عنوان ترجیحات معلم برای انتخاب و به کارگیری یک مجموعه از راهبردهای آموزشی تعریف می نماید (برون^۲، ۲۰۰۳). معمولاً این سبک های تدریس همان شیوه هایی هستند که معلمان به ای شیوه یاد گرفته اند، در صورتی که سبک های تدریس معلمان با یادگیری فراگیران انطباق داشته باشد، یادگیری، یادداری و عملکرد فراگیران به حداکثر می رسد (لگ، پلات و ترگلیا^۳، ۲۰۰۰). بخشی از سبک تدریس معلمان به رفتارهای کلاس داری آنها مربوط می شود. معلمان نگرش ها و جهت گیری های متفاوتی برای مدیریت کلاسی دارند. بعضی از معلمان بر پیامدهای مثبت رفتارهای مطلوب و یا راهبردهای مبتنی بر پاداش تاکید دارند در حالی که تعدادی از معلمان نیز بر پیامدهای منفی رفتارهای نامطلوب تاکید دارند. پژوهش ها حاکی از آنند که سبک تدریس و کلاس داری معلمان تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون شخصیت معلمان است (رمضانی، کاظمی و علائی، ۲۰۱۲). در نهایت باید گفت که یکی از مسائل مهم در این زمینه توجه به تفاوت بین سبک تدریس و روش تدریس است. متخصصان معتقدند بین این دو مقوله تفاوت اساسی وجود دارد. روش های تدریس مشخص کننده فرایند تکنیکی تدریس هستند در حالی که سبک های تدریس بیشتر ویژگی مدرسان و راهبردهای تدریس را نشان می دهند. روش ها به فزونی که مدرسان به کار می گیرند اشاره دارد اما سبک ها به خصوصیات واضح مدرس در یک موقعیت، علی رغم محتوای تدریس که ثابت می باشد اشاره دارد (موستون^۴، ۱۹۹۲).

۲. نظریه های سبک تدریس

سبک تدریس سور و سور

سور و سور به نقل از بوریچ و تومباری از چهار نوع سبک کلاس داری نام می برند (بوریچ و تامبری^۵، ۱۹۹۵). آنها اذعان دارند معلمی که هر کدام از این سبک ها را به کار می بندد؛ باید انتظار پیامدهای متفاوتی را داشته باشد. این تقسیم بندی مبتنی بر میزان استفاده معلم از محبت و کنترل در کلاس درس است. از زمان های دور چنین به نظر می رسد که مفاهیم محبت و کنترل مخالف هم هستند و اگر معلمی در کلاس درس راه صمیمیت با دانش آموزان را پیش گیرد او نمی تواند به کنترل آنها بپردازد، اما سور و سور خاطر نشان کرده اند که در شرایطی می توان محبت و کنترل را همزمان به کار گرفت. آنها با ترکیب این دو عامل چهار نوع سبک تدریس را پیشنهاد کرده اند.

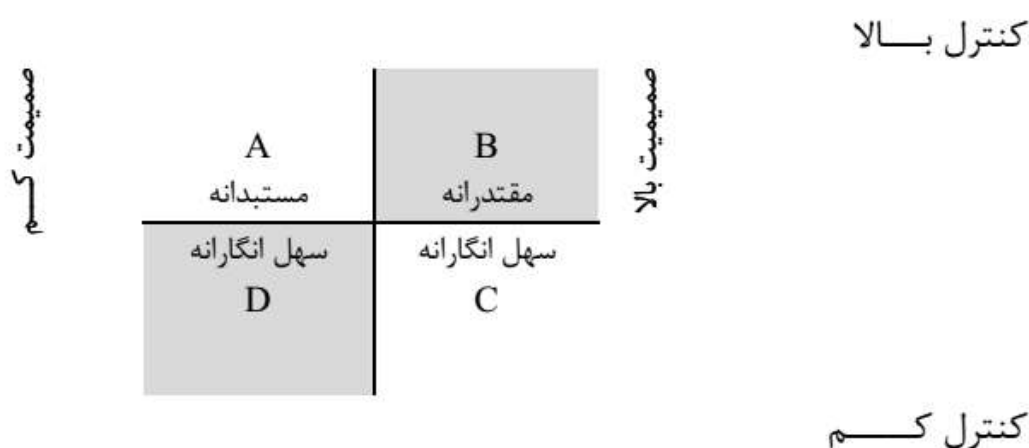
^۱. Emmer & Stough

^۲. Brown

^۳. Lage, Platt & Treglia

^۴. Mostun

^۵. Borich & Tombari



شکل ۱: سبک های مختلف تدریس و کلاس داری براساس ترکیب محبت و کنترل

تقسیم بندی فوق ریشه در نظریه بامریند در زمینه سبک های فرزندپروری^۱ دارد (بامریند، ۱۹۹۱). وی با استفاده از دو بعد کنترل و محبت چهار سبک فرزندپروری را پیشنهاد داد که بسیار مشابه طبقه بندی سبک های تدریس سور و سور است. سبک B و D به ترتیب بهترین و بدترین سبک های تدریس و مدیریت کلاس درس هستند. دو سبک دیگر یعنی A و C نیز اساسا مشکل زا هستند. معلمی که در ربع A قرار گرفته به عنوان معلمی سرد و کنترل کننده شناخته می شود. در این گونه کلاس ها بیشترین صحبت های کلاس متعلق به معلم است. او دانش آموزان را حقیر می شمارد و مدام از آنها انتقاد می کند و سعی در کنترل جنبه های مختلف رفتاری آنها دارد. کلاس چنین معلمانی تکلیف مدار و شبیه به یک محیط کاری خشن است. دانش آموزان در چنین کلاس هایی کمتر مورد تشویق قرار می گیرند و انگیزش دانش آموزان برای انجام فعالیت های در کلاس درس چنین معلمانی از طریق تهدید و تنبیه ایجاد می شود. چنین سبکی بیشتر در توافق با دیدگاه قدیمی تعلیم و تربیت است. به عنوان مثال در نظریه کلاسیک ویلارد والر در ارتباط با جامعه شناسی آموزش و پرورش بر تقویت و اعمال شدید قوانین مدرسه برای حفظ نظم در کلاس توسط معلمان تاکید می شود. از دیدگاه والر کلاس درس یک میدان جنگی است که معلم همیشه برای کنترل آن بایستی بجنگد. در این دیدگاه معلم برای حفظ نظم و انضباط در کلاس درس، غیرقابل انعطاف و مستبدانه رفتار می کند.

شرایط کلاسی توصیف شده در بخش C دارای معلمی گرم و سهل گیر است. در چنین کلاس هایی دانش آموزان آزادی کامل برای انتخاب محدوده های رفتاری خود را دارند که گاهی هم ممکن است مشکل زا باشند. معلم مدام دانش آموزان را تشویق می کند و رفتارهای قدغن در این کلاس ها بسیار کم هستند. معلم نقش راهنما و هدایت کننده را دارد تا نقش کنترل کننده رفتار دانش آموزان. فراگیران آزادی زیادی در رابطه با این که کی و چگونه صحبت کنند دارند. اگر قوانینی هم در این کلاس ها وجود داشته باشد آنها غیررسمی و غیرکلامی هستند.

کلاس هایی که در شرایط D قرار دارند دارای معلمانی سرد و سهل گیر هستند. یک چنین معلمانی بیشتر وقتشان صرف پرخاش با دانش آموزان و ارائه انتظارات خود از آنها می شود. آنها کمتر برای کنترل و یا محدود کردن رفتارهای مورد انتقاد دست به تدوین و اجرای قوانین می زنند. چنین شرایطی در کلاس درس معلمان جایگزین بیشتر رخ می دهد. معلمان این کلاس ها مداوم راهکارهای مدیریت کلاسی خود و نیز توبیخ دانش آموزان خاطی را به تعویق می اندازند.

^۱ . Parenting Styles

^۲ . Baumrind

کلاس‌هایی که در ربع B نشان داده شده است، دارای معلمانی صمیمی ولی با این حال کنترل کننده هستند. در این کلاس‌ها مقررات کلاسی به طور مشترک تهیه می شود و بر شیوه‌های تشویقی جهت به انگیزش درآوردن دانش‌آموزان تاکید می شود. در چنین شرایطی محبت و کنترل با هم ترکیب شده‌اند. در این کلاس‌ها بیشتر رفتارهایی رخ می دهند که برای کسب پاداش موثر شناخته شده اند.

موفق‌ترین مدیریت در همه گروه‌های اجتماعی، از جمله خانواده و کلاس درس، سبک های اقتدارگرایانه همراه با احترام و محبت متقابل است که نام دیگر آن سبک دموکراسی است. این سبک هم به روابط انسانی در میان اعضای گروه احترام می گذارد و هم بر ضوابط قانونی متکی است. اما قبل از توضیح بیشتر این سبک بهتر است با مفهوم اقتدار آشنا شویم. اقتدار موضوعی جامعه شناختی، فلسفی و تاریخی است. اقتدار زمانی وجود دارد که یک شخص بدون سوال دستورات یک نفر را بپذیرد و یا اینکه از آنها اطاعت و پیروی کند.

در کلاس درسی که سبک اقتدارگرایانه حاکم است، معلم و شاگردان با توجه به رعایت حقوق یکدیگر رفتار می کنند و نسبت به هم احترام متقابل به جا می آورند. در این شرایط آموزشی، رفتارها در محدوده قوانین و مقرراتی صورت می پذیرد که خود وضع کرده اند یا دیگران وضع کرده و آنها قبولشان دارند. در این کلاس‌ها، در آغاز کار پس از بحث و مذاکره و تبادل نظر اعضای کلاس، جملگی بر سر مقررات و ضوابط به توافق می رسند. همچنین حق و حقوق معلم و شاگردان به روشنی بیان می شود و همه اعضای گروه کلاس درس می پذیرند که به ضوابط تعیین شده گردن بنهند. از آن پس، کلاس با اقتدار اداره می شود و کسی نمی تواند به میل خود عمل کند، مقررات را زیر پا بگذارد، یا حق دیگران را به خاطر منافع خویش نادیده بگیرد. معلمان مقتدر برای ایجاد روابط گرم، باز و همراه با پذیرش تلاش می کنند، آنها استانداردهای بالایی را در کلاس درس خود تدارک می بینند و انتظار رفتار مسئولانه ای از دانش آموزان دارند. آنها قوانین و رویه‌های کلاسی را به طریقی مداوم و سخت اجرا در می آورند و از راهبردهای تنبیهی در مواقع لزوم استفاده می کنند؛ همچنین با تشویق دانش آموزان به مشارکت در بحث‌هایی در مورد رفتارشان خودمختاری آنها را ترغیب می کنند (بروفی^۱، ۱۹۹۶). ترکیب این دو متغیر با هدف مدیریت کلاس درس انجام می گیرد که دارای اهداف دوگانه ای است که در کوتاه مدت رفتارهای دانش آموزان را مدیریت می کند و در بلند مدت موجب رشد مسئولیت پذیری در دانش آموزان می شود (هاگز^۲، ۲۰۰۲).

سبک های سه گانه تدریس

معلمان موثر و کارا با توجه به موضوعات درسی، فرایند تدریس و دیگر فاکتورها در سبک تدریس خود تغییر و تحول ایجاد می کنند. معلمان با انجام این کار دانش آموزان را تشویق می کنند که در حین آموزش بیشترین تلاش خود را به نمایش بگذارند. یکی از طبقه‌بندی‌های موجود در زمینه سبک های تدریس سبک D های سه گانه است که عبارتند از: هدایتگر، مباحثه گر، تفویض گر^۳. در جدول زیر این نوع از سبک‌های تدریس به صورت ماتریکس و از منظر توجه به تجربه تکلیف به نمایش در آمده است.

تفویض گر	مباحثه گر	هدایت گر
اندک	متوسط	بسیار
تجربه تکلیف	تجربه تکلیف	تجربه تکلیف

سبک هدایتگر

در این سبک یادگیری از طریق گوش دادن و پیروی از دستورالعمل‌ها ارتقا می یابد. در این سبک معلم به دانش آموزان می گوید چه کاری را چگونه و در چه زمانی انجام دهند. معلم اطلاعات را از طریق سخنرانی، ارائه دیداری یا شنیداری، ایفای نقش،

^۱ . Brophy

^۲ . Hughes

^۳ . Directing, Discussing, and Delegating

خواندن و ... در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. دانش آموزان اطلاعات را از طریق گوش دادن، یادداشت برداری، ایفای نقش و مشارکت در آنچه که معلم از آنها می خواهد کسب می کنند. تنها بازخوردی که معلم از دانش آموزان می گیرید جمله زیر است: آیا متوجه مطالب شدید؟

برای استفاده از سبک تدریس هدایتگر پیشنهاد می شود که موارد زیر مد نظر قرار گیرند:

۱. استفاده از چشم انداز: قبل از وارد شدن به جزئیات حتما زمینه کلی از آن فراهم کنید.
۲. شفاف و دقیق بودن: دانش آموزان نیازمند فهم آن هستند که دقیقا بایست چه کاری و بر اساس چه توالی انجام دهند. معیارهای ارزیابی کار آنها باید دقیقا روشن باشد. اهداف روشن، زمان و تاریخ دقیق و دستورالعمل های دقیق منجر به افزایش انگیزه دانش آموزان و از بین رفتن ابهام می شود. مواد آموزشی ناگهانی و سازمان نیافته منجر به ابهام و از بین رفتن انگیزش دانش آموزان می شود.
۳. ارائه جزئیات دقیق: هنگامی که جزئیات مهم حذف شده باشند و یا آموزش ها مبهم باشند ارتباطات به درستی برقرار نمی شود. برای مثال هنگامی که در مورد فونت نوشته ها با دانش آموزان صحبت نشود ممکن است از فونت های مختلفی در نوشته های خود استفاده کنند.
۴. حرف های خود را در لفافه بیان نکنید: هنگام تدریس موقعیت های وجود دارد که معلم باید کاملا رک و صریح باشد.

سبک مباحثه گر

این سبک به ترویج یادگیری از طریق تعامل^۱ می پردازد. در این سبک که از آن به عنوان روش سقراطی نیز یاد می شود معلم با سوال پرسیدن سوالات چالشی از دانش آموزان و مباحثه، تفکر انتقادی را در آنها تشویق می کند. معلم نقش یک تسهیل گر را ایفا می کند و دانش آموزان یاد می گیرند که عقاید و افکار خود را بر اساس حقایق و اطلاعات بنیان گذاری کنند.

برای استفاده از سبک تدریس مباحثه گر پیشنهاد می شود که موارد زیر مد نظر قرار گیرند:

۱. استفاده از سوالات پیشرفته: مباحثه خوب و عالی ناگهانی اتفاق نمی افتد. باید در یک زمان واحد فقط یک سوال پرسید. باید نسبت به علائق یادگیرندگان حساس بود.
۲. اجازه ندهید فقط یک یا دو دانش آموز جریان بحث را در اختیار بگیرند، عقاید تمامی دانش آموزان را جویا شوید. دانش آموزانی را که تازه کار هستند و یا در بحث شرکت نمی کنند وارد مباحثه کنید.
۳. از دانش آموزان بخواهید خود به تدوین سوال اقدام کنند و سپس با اشتراک گذاشتن با دیگر همکلاسی های خود اقدام به پاسخگویی به آنها کنند.

۴. سیستم پاسخدهی کلاسی: سیستم پاسخدهی کلاسی^۲ روشی ساده برای درگیر کردن دانش آموزان در فرایند کلاس است. می توان با مطرح کردن چند سوال بر وایت برد کلاس دانش آموزان را تشویق به بحث در مطالب مختلف نمود.

سبک تفویض گر

این سبک از طریق تفویض اختیارات به دانش آموزان منجر به ارتقا یادگیری می شود. در این روش معلم تکالیفی را به دانش آموزان ارائه می دهد که می توانند مستقلا نه یا به صورت گروهی و فردی انجام دهند.

برای استفاده از سبک تدریس تفویض گر پیشنهاد می شود که موارد زیر مد نظر قرار گیرند:

۱. تعیین پروژه تحقیقاتی: از دانش آموزان بخواهید پروژه های تحقیقاتی کوچک به طور مثال درباره مدیریت کسب و کار محلی انجام دهند.
۲. تعیین پروژه های تیمی: یک تیم تشکیل دهید و مسئولیت هر یک را مشخص کنید و از هریک از تیم ها بخواهید پروژه مربوط به خود را انجام دهند.

^۱. Interaction

^۲. Class responding

سبک های تدریس گراشا

گراشا معتقد است ۵ سبک تدریس وجود دارد که عبارتند از (رزاقی نژاد، بخشی، مشایخی، ۱۳۸۹):

۱. خبره، متخصص یا کارشناس: این مربیان دارای آگاهی و تجربه ای هستند که فراگیران به آن نیاز دارند. تلاش او برای حفظ موقعیتش به عنوان یک متخصص، ارائه دانش و ارتقا کیفیت علمی یادگیرندگان از طریق رقابت بین آنهاست. او علاقمند به انتقال اطلاعات و اطمینان از آمادگی کامل یادگیرندگان می باشد. محدودیت این سبک آن است که اگر بیش از اندازه استفاده شود دانش مربی می تواند تهدیدی برای فراگیران کم تجربه باشد.

۲. آمرانه: این آموزگاران در بین فراگیران به سبب دانش و نقش او به عنوان یک مربی از محبوبیت مطلوبی برخوردارند. توجه ایشان به بازخورد منفی و مثبت رفتار، دستیابی به اهداف و رعایت قوانین توسط فراگیران می باشد. ایشان راه های استاندارد قابل قبول و درست برای انجام امور پیشنهاد می کند و بر راه های قابل قبول و انتظارات روشن در امور که باید انجام شوند تاکید دارد. این روش به طور استاندارد غیرقابل انعطاف و سرسخت است و برای یادگیرندگان ایجاد انگیزش نمی کند.

۳. مدل فردی: ایشان معتقد به مثال های شخصی و ارائه یک مدل نمونه، برای چگونه فکر کردن و عمل کردن یادگیرندگان می باشد. روی هم رفته راهنمایی ها و کسب مهارت مستقیم را در انجام امور نشان می دهد و یادگیرندگان را به مشاهده و سپس رقابت تشویق می کند. در این سبک تاکید بر نظارت مستقیم و مستمر است و این مربیان بر این باورند که روش تدریس آنها بهترین راه برای راهنمایی فراگیران است در صورتی که اگر آنها به آن استانداردها و توقعات مورد نظرشان نرسند احساس بی کفایتی خواهند کرد.

۴. تسهیل کننده: این روش بر تعامل بین مربی و یادگیرنده تاکید دارد. فراگیران از طریق پرسیدن سوال، بیان عقاید، پیشنهاد منطقی و تشویق آنها به توسعه بصیرت و انتخاب ارزیابی می شوند. روی هم رفته به توسعه ظرفیت فراگیران برای کسب استقلال در عمل و مسئولیت اشاره دارد. مربی با یادگیرنده به صورت مشاوره ای کار می کند و او را راهنمایی و دلگرم می نماید. انعطاف پذیری شخصی، تاکید بر نیازها و اهداف یادگیرندگان و جلب رضایت آنها از مزایای این سبک می باشد.

۵. وکالتی یا محول کننده: این مربیان علاقه مند به توسعه ظرفیت فراگیران در انجام امور به طور مستقل می باشند. فراگیران به طور مستقل بر روی پروژه ها کار می کنند و مربی به عنوان شخص مطلع و کاردان در مواقع لازم در دسترس می باشد. مشارکت یادگیرندگان برای پیشرفت حرفه ای و ایجاد اعتماد و اطمینان باعث اعتماد دو طرفه می شود (گراشا، ۱۹۹۶).

مدل های هشت گانه سبک تدریس

در یک طبقه بندی و با توجه با نقش معلم یا دانش آموز در فرایند آموزش می توان هشت نوع سبک تدریس به شرح زیر مطرح نمود:

۱. سبک مبتنی بر تسلط کامل معلم: ویژگی های این سبک را می توان به صورت زیر مطرح نمود: ۱. تعاملات بین معلم و دانش آموز کاملاً یک طرفه و از جانب معلم به سمت دانش آموز است. دانش آموز به هیچ وجه نمی تواند از معلم سوالی بپرسد. معلم محتوای درسی را بدون توجه به اینکه آیا دانش آموز چیزی متوجه شده یا نه به مرحله اجرا در می آورد. ۲. معلم به طور کامل دانش و محتوا را تحت کنترل دارد. ۳. معلم سرعت یادگیری را کنترل و مشخص می سازد یادگیری چه زمان و چگونه رخ دهد. با این اوصاف رویکرد فوق بر آموزش صرف تاکید دارد به عبارتی بر تدریس در مقابل یادگیری تمرکز دارد. در این سبک مشخص نیست که آیا اصولاً یادگیری رخ می دهد یا خیر. البته ممکن است یادگیری به خوبی صورت بگیرد اما هیچ معیاری برای بررسی آن وجود ندارد. معلمانی که از این سبک استفاده می کنند انگیزش و افکار درونی دانش آموزان برای آنها از چندان اهمیتی برخوردار نیست. ممکن است دانش آموزان با استفاده از این رویکرد برانگیخته شوند یا نشوند و چندان اهمیتی برای معلم ندارد. معلماً صرفاً به اجرای و آموزش دانش و مهارت می پردازد. بسیاری از معلمان و مربیانی که از این رویکرد بهره می برند بیشتر از روش های توضیحی و سخنرانی در محتوای درسی^۱ استفاده می کنند.

^۱. Subject Matter

سبک تدریس پراشینگ

انواع سبک های تدریس از نظر پراشینگ عبارتند از سبک تدریس تحلیلی محض یا سنتی، سبک تدریس انعطاف پذیر، سبک تدریس کل گرا یا فراگیر محور. مدرسی که از سبک تدریس تحلیلی محض در تدریس خود استفاده می کند، دارای روش گام به گام می باشد هر گامی را قبل از شروع گام دیگر به پایان می رساند، بر روی ورودی جزئیات و حقایق تاکید می کند و به فراگیران مرتب بازخوردهای کلامی و نوشتاری می دهد. در سبک تدریس انعطاف پذیر دارد زمانی که درس ناموفق پیش می رود فوراً به راهکارهای متفاوتی می اندیشد که علاقه و توجه فراگیران را به آن جلب می کند. در سبک تدریس کل گرا مدرس روی نیازهای یادگیری فراگیران تاکید می کند و به فراگیران اجازه می دهد که حقایق و مسائل خود را کشف کنند و آنها را به برقراری تعامل اجتماعی در کلاس درس در ارتباط با محتوای یادگیری برای کسب تجربیات شخصی تشویق می کند (پراشینگ، ۲۰۰۲). مولفه های سبک تدریس از نظر پراشینگ شامل موارد زیر می شوند: ۱. روش های تدریس ۲. راهبردهای مدیریت ۳. محیط کلاس درس ۴. فنون برنامه ریزی. روش های تدریس: کلاس های درس فراگیرانی با سبک های متفاوت دارد. یک مدرس باید سیستم سبک هایی که هر فراگیر برای یادگیری به کار می برد اطلاع داشته باشد. مدرس باید مشخص کند کدام روش تدریس به نفع یادگیرنده و کدام مضر می باشد. راهبردهای مدیریت: برنامه ریزی مناسب درسی و فنون تدریس برای به حداکثر رساندن علاقه فراگیران بسیار مهم است و اغلب بر اساس تجربیات شخصی مدرس که در طی تدریس به دست می آیند مشخص می شود و چگونگی مدیریت مدرس را نسبت به نیازهای یادگیری اجتماعی و فیزیکی فراگیران نشان می دهد. محیط کلاس: شرایط فیزیکی محیط یاددهی از نظر نور، دما، صدا، وسایل آموزشی باید با ترجیحات سبک یادگیری^۱ فراگیران مناسب باشد. نتیجه این تناسب، ایجاد یک محیط یادگیری مثبت است. فنون برنامه ریزی: برنامه ریزی مناسب درسی و فنون تدریس برای به حداکثر رساندن علاقه فراگیران بسیار مهم است و مدرس باید سعی کند فنون را با خصوصیت های فردی فراگیران و سبک یادگیری آنان منطبق و هماهنگ سازد (پراشینگ، ۲۰۰۲).

سایر سبک های تدریس

دوریز در ارتباط با سبک تدریس از سه سبک تدریس نام می برد که عبارتند از: ۱. رو به رو شدن با تکلیف متناسب با مرحله ای که فراگیر در آن قرار دارد ۲. جست و جو ۳. انتقال (دوریز، ۱۹۹۹). سبک های تدریس از نظر سلبی عبارتند از سبک تدریس فعال و غیر فعال (سلبی، ۱۹۹۹). استندلر به چهار دسته سبک تدریس اقتدار رسمی، نمایشی، تسهیل کننده و اختیاری اشاره می کند (استندلر، ۲۰۰۱). پرات پنج پارامتر اساسی را برای تعیین و تنظیم سبک تدریس به مدرسان توصیه می کند که شامل نحوه انتقال، نحوه توسعه، تکمیل، کارآموزی، پرورش دادن و بازسازی اجتماعی می باشد (پرات، ۲۰۰۱). به اعتقاد سالوارا چهار سبک تدریس وجود دارد که شامل مولد، همانند ساز، اکتشافی و مقتدر می باشد (سالوارا، ۲۰۰۶).

از نظر آپاندا و دامه^۲ (۲۰۰۶) یکی از سبک های تدریس، سبک فراگیر محور است. در این سبک با توجه به تفاوت های میان فراگیران، مربی به انجام فعالیت های مختلفی مبادرت می کند. او نقش فعالی در هنگام مواجهه با مشکلات فراگیرانش دارد و دانش آموزان وی در طول کلاس فعال و مشارکت جو هستند. معلم اغلب مشکلاتش را با دیگر همکاران خود در میان می گذارد و به طور مستقیم و غیرمستقیم تدریس خود را ارزشیابی می کند. او به فکر رشد دانش آموزان خود است و به این منظور با آنان ارتباط صمیمانه برقرار می کند. این سبک تدریس بیشتر به یادگیری و خود دانش آموزان تمرکز می کند. در مقابل سبک تدریس مبتنی بر موضوعات درسی به تفاوت های فردی فراگیران و رشد شخصیتی آنان کمتر بها می دهد و بر موضوعات درسی و تسلط دانش آموزان بر آنها تاکید می کند.

^۱. Learning style

^۲. Damme & Opdenakker

علاوه بر دو سبک فوق، محققان دیگری سبک های تدریس را به صورت متفاوت تری معرفی کرده اند. به عنوان مثال بنت^۱ (۱۹۹۷) سبک تدریس رسمی و غیررسمی و مک نیل^۲ (۱۹۸۰) سبک تدریس توضیحی را در مقابل سبک اکتشافی به کار برده اند. فیشر و فیشر^۳ (۱۹۹۷) چند طبقه از سبک های تدریس را ذکر کرده اند که شامل دانش آموز محوری، یادگیری محوری و موضوع محوری است (به نقل از آپاندکر و دامه، ۲۰۰۶).

چین چانگ^۴ در انجمن ملی تایوان^۵ (۲۰۰۹) با اشاره به سبک های تدریس بیان می کند که آموزشگرانی که به ساختن دانش توسط دانش آموزان اعتقاد دارند، دانش آموز محورند و یادگیری خودمختار و تصمیمات گروهی را تجویز می کنند. این دیدگاه به فرایند یادگیری تاکید می کند. از طرف دیگر، دیدگاه انتقال گرا معلم را منبع دانش در نظر می گیرد و دانش آموزان را دریافت کننده منفعل دانش. این مدل بر دریافت اطلاعات تاکید می کند و مسئولیت اصلی یادگیری در آن برعهده معلم است که باید دانش را به دانش آموزان انتقال دهد و دانش آموزان باید مفاهیم را یاد بگیرند تا به اهداف مشخصی برسند. معلمی که به مدل سنتی و به عبارت دیگر سبک تدریس فعال اعتقاد دارد، بیشتر اوقات از آموزش مستقیم استفاده و دانش آموزان را به تمرکز بر کتاب درسی تشویق می کند و خود را تنها منبع دانش به حساب می آورد و دانش آموزان در فرایند تدریس او جایی ندارند؛ برعکس در سبک تدریس فعال یا غیرمستقیم دانش آموزان جایگاه ویژه و فعالی دارند.

۴. معرفی ابزارها سنجش سبک تدریس

۱. مقیاس سبک تدریس مقتدرانه

یکی از ابزارها برای سنجش سبک های تدریس معلمان استفاده از سبک تدریس مقتدرانه است. این ابزار یک پرسشنامه خودگزارشی با دو مقیاس است که توسط ارتسوق (ارتسوق^۶، ۲۰۰۹) طراحی شده است. این مقیاس بر اساس چهارچوب نظری سبک های فرزندپروری بامریند (بامریند، ۱۹۹۱) ساخته شده که مشتمل بر هشت گویه است. مقیاس ها که دو بعد کنترل و محبت را می سنجد، هر کدام دارای چهار سوال هستند. آزمودنی ها در یک طیف لیکرت ۵ بخشی از هیچ وقت تا همیشه به آن پاسخ می دهند. مولفین پرسشنامه با تحلیل عاملی تاییدی در دو نمونه از معلمان به طور مقطعی و طولی روایی سازه این ابزار را بررسی و تایید کرده اند.

۲. پرسشنامه سبک تدریس (گراشا و ریچمان، ۱۹۹۶)

این پرسشنامه توسط گراشا و ریچمان در سال ۱۹۹۶ طراحی شده است. پرسشنامه فوق دارای چهل گویه می باشد و براساس طیف پنج درجه ای لیکرت می باشد. زیرمقیاس های این پرسشنامه عبارتند از: سبک تخصصی یا خبره، سبک اقتدار رسمی یا آمرانه، سبک مدل شخصی یا فردی، سبک تسهیل گری یا تسهیل کننده، سبک تعاملی یا کالتی. نحوه توزیع سوالات در این پرسشنامه به ترتیب زیر است: سوالات سبک خبره (۸ سوال)، سبک آمرانه (۸ سوال)، و سبک فردی (۸ سوال)، و سبک تسهیل کننده (۸ سوال)، و سبک و کالتی یا محول کننده (۸ سوال). نمره گذاری سوالات از ۱ (بسیار مخالف) الی ۵ (بسیار موافق) است.

۳. پرسشنامه استاندارد سبک تدریس ترجیحی دانشجویان

پرسشنامه سبک تدریس ترجیحی دانشجویان توسط موسی پور و کیامنش در سال ۱۳۷۷ ساخته شده است. این مقیاس دارای ۳۹ گویه است با یک مقیاس لیکرت شش درجه ای (اصلا تا خیلی زیاد) و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۶ است. با سؤالاتی

^۱ . Bennet

^۲ . MacNeil

^۳ . Fischer & Fischer

^۴ . Chin-Chung

^۵ . National Chiao Tung

^۶ . Ertesaag

مانند: (الف- برای جلب توجه از سوی دانشجویان تلاش نماید. ب- انتظار داشته باشد از سوی دانشجویان پذیرفته شود). سبک تدریس ترجیحی دانشجویان را می سنجد. این پرسشنامه بیشتر در دروه های تربیت دبیر به منظور ارزشیابی درس روش ها و فنون تدریس به کار برده شده است. گویه های هر ردیف این پرسشنامه مربوط به دو نوع تدریس متفاوت است: الف: تدریس معلم محور یا مستقیم (معلم به عنوان رهبر) ب: تدریس شاگرد محور یا غیرمستقیم (معلم به عنوان مشاور). نمره گذاری پرسشنامه فوق از کم به زیاد انجام و برای گزینه "اصلا" نمره صفر و برای گزینه "خیلی زیاد" نمره پنج منظور می گردد. پرسش ها تحت چهار مولفه طبقه بندی و اجرا می گردند: ایجاد ارتباط (۵ سوال)، استمرار ارتباط (۱۴ سوال)، اثربخش ساختن ارتباط (۱۰ سوال) و ارزشیابی ارتباط (۱۰ سوال).

۴. پرسشنامه سبک تدریس بر اساس هوش موفق استرنبرگ (TSI-Q)

پرسشنامه سبک تدریس بر اساس هوش موفق استرنبرگ (TSI-Q) توسط پالوز و ماریکوتو (۲۰۱۳) برای سنجش سبک تدریس معلم بر اساس هوش موفق استرنبرگ طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال می باشد که شامل ۴ زیرمقیاس به نام های مولد، عملی، تحلیلی و خلاق است.

۵. پرسشنامه استاندارد سبک های تدریس پراشنیک

این پرسشنامه در سال ۱۹۹۹ توسط پراشنیک ساخته شده است. روایی محتوایی و پایایی ابزار فوق در کمپانی یادگیری خلاق سنجیده شده است. این پرسشنامه شامل ۶۱ گویه می باشد که دربرگیرنده مولفه های چهارگانه روش های تدریس، راهبردهای مدیریت، محیط کلاس و فنون برنامه ریزی است که به اندازه گیری میزان به کارگیری این مولفه ها در کلاس درس می پردازد. آزمودنی در هر سوال، نمرات صفر تا ۵ را بر اساس طیف لیکرت با توجه به نحوه سوال انتخاب می کند. گویه ها به صورت ۵ درجه ای به صورت نامشخص، به ندرت، گاه گاهی، گاهی اوقات، اغلب و همیشه مورد پرسش قرار می گیرد. حیطه روش های تدریس ۲۲ سوال، حیطه راهبردهای مدیریت ۱۵ سوال، حیطه محیط کلاس درس ۴ سوال، و حیطه فنون برنامه ریزی ۲۰ سوال را از ۶۱ سوال به خود اختصاص داده است.

۶. پرسشنامه الگوی تدریس انطباقی

این پرسشنامه برگرفته از پژوهش الکساندر^۱ (۲۰۰۶) ترجمه سید محمد مقیمی است. پرسشنامه دارای هشت سوال و چهار مولفه: فعالیت های یادگیری محور، ارزیابی نیازهای دانش آموزان، مشارکت در فرایند یادگیری و انعطاف پذیری برای توسعه شخصی است. این پرسشنامه بر پایه مقیاس پنج رتبه ای لیکرت تنظیم شده است.

۵. پژوهش های صورت گرفته در زمینه سبک تدریس

در ارتباط با سبک تدریس، تحقیقات و پژوهش های زیادی صورت گرفته است که در قسمت زیر به صورت خلاصه به برخی از آنها پرداخته می شود. کرمی، رجائی و نامخواه (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان بررسی گرایش به تفکر انتقادی در معلمان مقطع متوسطه و نقش آن در سبک تدریس آنان در این زمینه، اجرا کردند. یافته های پژوهش آنان نشان داد که معلمان به سبک تدریس فعال بیش از سبک تدریس غیرفعال گرایش داشتند و در مجموع، سطح تفکر انتقادی معلمان مطلوب بود. بین دو سبک تدریس فعال و غیرفعال^۲، گرایش به تفکر انتقادی معلمان تنها با سبک تدریس فعال، رابطه مثبت و معناداری داشت. درویش قدیمی و رودباری (۱۳۹۰) در پژوهش خود سبک تدریس اعضای هیات علمی دانشکده های تابعه دانشگاه علوم پزشکی ایران را بررسی کردند. یافته ها نشان داد بیشتر اعضای هیات علمی دانشکده های مورد بررسی، در ارائه مفهوم به صورت کاربردی، یادگیری عمقی، پردازش شناختی به صورت اجرایی و فعالیت های مشارکتی را ترجیح داده اند. همچنین هیچگونه ارتباط معنی داری بین سبک تدریس با دانشکده محل تدریس، سابقه تدریس و مرتبه علمی به دست نیامد. رزاقی نژاد، بخشی

^۱. Aleksander Szejberg

^۲. Active & Inactive teaching

و مشایخی (۱۳۸۹) در پژوهشی، سبک های تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان را مورد بررسی قرار داده اند. یافته های این تحقیق نشان داد کاربرد سبک های تدریس خبره و وکالتی توسط اعضای هیات علمی، در حد زیاد و سبک تدریس آمرانه، فردی و تسهیل کننده، در حد متوسط است. سبک تدریس ترجیحی اعضای هیات علمی با مدرک کارشناسی ارشد، دکتری تخصصی پزشکی و دکتری؛ سبک های خبره و وکالتی و با مدرک کارشناسی، سبک وکالتی و تسهیل کننده بود. سبک تدریس اولیه اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی، خبره و وکالتی؛ دانشکده دندان پزشکی، سبک وکالتی؛ دانشکده پرستاری، سبک خبره؛ تسهیل کننده و وکالتی و اعضای هیات علمی بالینی مراکز آموزشی و درمانی، سبک خبره، آمرانه، تسهیل کننده و وکالتی بود.

شیخ زاده و ثمری (۱۳۸۹) روش های تدریس استادان را بر اساس دیدگاه دانشجویان و استادان دانشگاه آزاد اسلامی آذربایجان غربی بررسی کردند. یافته های پژوهش نشان داد که از دیدگاه دانشجویان، جنبه های قدرت ارتباط، روش تدریس دانش پژوهی و شخصیت فردی استاد از مهم ترین جنبه های تدریس اثربخش است همچنین مشخص شد که تعداد استادان با روش های تدریس فعال بیش از استادانی است که به روش های تدریس غیرفعال تدریس می کنند. بین روش تدریس و فعالیت های پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد یعنی استادانی که با روش های تدریس فعال تدریس می کنند نسبت به استادان دیگر، فعالیت های پژوهشی بیشتری دارند. همچنین بین نوع روش تدریس استادان و استفاده از طرح درس، رابطه معناداری دیده نشد، استادان دارای روش تدریس فعال به متغیرهایی مانند ایجاد روابط انسانی، پذیرش انتقاد سازنده دانشجویان توجه بیشتری دارند.

مصرآبادی، جواد (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش سبک های تدریس معلمان بر میزان بی انضباطی های دانش آموزان: تحلیل مبتنی بر شخص پرداختند. نتیجه این تحقیق منجر به کشف دو خوشه از معلمان شد: خوشه اول معلمان مقتدر مشتمل بر معلمانی است که نمرات بالایی در هر دو بعد محبت و کنترل برخوردار بودند و معلمان خوشه دوم معلمان سهل انگاری که از میزان نمرات پایین تری در هر دو بعد محبت و کنترل برخوردار بودند. دیگر نتایج این تحقیق نشان داد که بر طبق نظرات معلمان میزان بی انضباطی ها در کلاس های درس معلمان مقتدر به طور معناداری کمتر از معلمان سهل گیر است. نعیمی و همکاران (۲۰۱۰) پژوهشی را با هدف بررسی ترجیحات در سبک تدریس و یادگیری و میزان همخوانی آنها با موفقیت های یادگیرندگان انجام دادند. نمونه پژوهشی شامل ۳۱۰ دانشجوی کارشناسی زبان و ۴ دانشیار رشته زبان های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی بود. اطلاعات از طریق مصاحبه و مشاهده جمع آوری گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که همخوانی بین سبک تدریس و سبک یادگیری باعث بهبود یادگیری و موفقیت دانشجویان می شود.

اسکندری و صالحی (۱۳۸۵) به بررسی مطابقت میان سبک های تدریس و یادگیری دانشجویان دانشکده های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه کردستان بر عملکرد درسی آنان پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که سبک های تدریس سبک های یادگیری بر عملکرد درسی دانشجویان تاثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین اگر استادان بتوانند سبک های تدریس خود را با سبک های یادگیری دانشجویان متناسب سازند، دانشجویان آنان از عملکرد درسی مطلوب تری برخوردار خواهند شد.

کریمی، دباغی، اسکویی و جولکان (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان دادند که بر حسب محتوا و شرایط آموزشی، دانشجویان از سبک های گوناگون و در مواردی ترکیبی از آنها استفاده می کنند و سبک های یادگیری دانشجویان تحت تاثیر سبک های تدریس و یاددهی مربیان است.

دجگیک و استوجیلو کوویک (۲۰۱۲) با بررسی سبک های مدیریت کلاسی به این نتیجه دست یافتند که مزایا و ابعاد مثبت سبک مدیریت تعاملی در مقایسه با سبک های مداخله گر و غیرمداخله گر بسیار بیشتر است. همچنین استادان و دانشجویان از فضاهای آموزشی ناشی سبک تعاملی بسیار رضایت دارند. همچنین اوریم و همکاران (۲۰۰۹) ضمن تاکید بر نقش و تاثیر قابل ملاحظه مدیریت کلاس درس بر ایجاد و رشد انگیزه تحصیلی، مشارکت در فعالیت های درسی و افزایش سطح پیشرفت یادگیرندگان، این نکته را نیز تایید کردند که بین باورهای معلمان و سبک و شیوه مدیریت کلاس آنها رابطه وجود دارد.

امیر و جلاس (۲۰۱۰) مطالعه ای با هدف بررسی تطابق سبک تدریس و یادگیری در یکی از دانشگاه های مالزی انجام دادند. آنها دو نمونه ۲۵۰ نفری از دانشجویان و ۱۲۰ نفری از آموزشگران را انتخاب کردند و از پرسشنامه سبک تدریس و یادگیری گراشا و ریچمان (۲۰۰۶) استفاده کردند. نتایج نشان داد که سبک تدریس آموزشگران بیشتر خبره، تسهیل گر و انتقالی، و سبک یادگیری دانشجویان بیشتر رقابتی و همکارانه بوده است. این محققان پیشنهاد می دهند که آموزشگران و دانشجویان باید از سبک تدریس آموزشگران و سبک یادگیری خود مطلع شده و با ایجاد همخوانی بیشتر بین این دو موجبات نتایج یادگیری بیشتر را فراهم آورند.

کولینا و کاترن (۲۰۰۳) مطالعه ای با هدف بررسی ارتباط بین استفاده معلمان از خود گزارشی و آگاهی آنها از سبک های تدریس در بین معلمان تربیت بدنی مقاطع دبیرستان و ابتدایی انجام دادند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین معلمان که تدریس خود را ارزیابی می کردند با آگاهی آنان از سبک های متفاوت تدریس و استفاده از آنها وجود داشت.

نتیجه گیری

بسیاری از نظریه پردازان معتقدند که سبک تدریس تاثیر شگرفی بر یادگیری فراگیران دارد و تناسب تدریس آموزشگران با یادگیری فراگیران باعث تقویت انگیزه یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنها می شود (مارتین^۱، ۲۰۱۰؛ آژمن، ۲۰۰۹؛ رضایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ معینی کیا و بابلان، ۲۰۰۹؛ صالحی و اسکندری، ۱۳۸۵). همه پیشرفت های امروز بشر در یادگیری انسان ریشه دارد در این راستا مهم ترین مسئولیت معلم این است که بفهمد که ذهن دانش آموزان چگونه کار می کند (بوروسکی^۲، ۲۰۰۴). بنابراین می توان گفت که اهمیت سبک تدریس در تاثیری است که می توان بر ابعاد مختلف یادگیری ایفا کند. عوامل دخیل در یادگیری را شامل مکان تدریس، محتوای تدریس، محیط، معلم، دانش آموز و... تلقی کنیم فرایندی که می تواند عوامل فوق را به یکدیگر مرتبط و منجر به یادگیری اثربخش بخش شود نوع سبک تدریسی است که معلم مورد استفاده قرار دهد. شناسایی و تبیین انواع سبک های تدریس بدین لحاظ حائز اهمیت فراوانی است. اگر معلمان اقدام به ارزیابی سبک تدریس خود کنند زمینه فهم سبک تدریس آنها مهیا می گردد. شناسایی سبک های تدریس زمینه لازم برای تغییر رویکردهای معلمان در کلاس درس را فراهم می کند. معلم می تواند با استفاده از هریک از سبک های تدریس اقتدارگرایانه، دیکتاتوری، سهل گیرانه و یا انتطباقی نوع خاصی از برون داد آموزشی را رقم بزند. استفاده از هریک از این سبک های حاوی دلالت های دیگر نیز هست به طور مثال باید دانست که کدام یک از سبک های تدریس بیشترین میزان همکاری دیگر کارکنان مدرسه را برای معلم به ارمغان می آورد و کدام یک از سبک ها منجر به ایزوله شدن وی می گردد. از طرفی محیط یادگیری روز به روز در حال پیچیده شدن است و معلمان برای غلبه با این پیچیدگی راهی جز آشنایی با سبک های مختلف تدریس ندارند. با توجه به الزامات فوق در نوشتار حاضر سعی گردید ابتدا تعریفی جامع از سبک یادگیری ارائه گردد و در ادامه انواع سبک های تدریس و زیر شاخه های آن معرفی گردد. در مرحله بعد پژوهش های مختلف صورت گرفته در ارتباط با سبک های تدریس و سایر متغیرهای وابسته به آن مورد بررسی قرار گرفت و در بخش نهایی نیز ابزارهای مختلفی که با استفاده از آنها می توان به سنجش و اندازه گیری سبک های تدریس پرداخت تبیین و تشریح گردیدند.

^۱. Martin

^۲. Burskey

منابع

رزاقی نژاد، محمد حسین؛ بخشی، حمید؛ مشایخی، ناصر (۱۳۸۹). بررسی سبک های تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان. مجله پزشکی هرمزگان، سال چهارم، (۳) صص ۱۹۸-۲۰۵.

بهرنگی، محمدرضا (۱۳۹۰). الگو های تدریس بروس جویس. نشر کمال تربیت.

اسکندری و صالحی (۱۳۸۸). بررسی تاثیر مطابقت میان سبک های تدریس و یادگیری بر عملکرد درسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشکده های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه کردستان)، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. دوره دوم، شماره دوم.

شیخ زاده، مصطفی و ثمری، شاهین (۱۳۸۹). بررسی روش های تدریس استادان دانشگاه آزاد اسلامی در استان آذربایجان غربی، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی ۳ (۴)، ۹۴-۷۰.

مصرآبادی، جواد (۱۳۹۳). نقش سبک های تدریس معلمان بر میزان بی انطباقی دانش آموزان: تحلیل مبتنی بر شخص. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ششم (۲)، صص ۱۸۹-۲۰۵.

Grasha F, Grasha LR. Teaching with style. Alliance publishers. ۱۹۹۶ Feb. Available from: URL: http://homepages.uis.edu/kwigley/teaching_with_style.

Tweet, Susis. MC. Gee. (۲۰۱۳). How to practice adaptive teaching, www.nea.org/index.html

Burskey, Cynzthia, M. (۲۰۰۴). Assessment of learning styles at the Eastern Caribbean Institute of agriculture and identification of teaching methods used by instructors. Thesis of Agricultr at West Virginia University.

Baumrind, D. (۱۹۹۱). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks- Gunn, R. Lerner & A. C. Petersen (eds.), The Encyclopedia on Adolescence.

Ertesvåg, S. K. (۲۰۰۹). Measuring authoritative teaching, Teaching and Teacher Education, ۲, ۵۱-۶۱.

Amir, R., Jelasas, ZM (۲۰۱۰). Teaching and Learning Styles in Higher Education Institutions: Do They Match? Procedia Social and Behavioral Sciences, ۷(C), ۶۸۰-۶۸۴

Kulinna, P., Hodges, C., Donetta, J. (۲۰۰۳). Physical education teachers' self-reported use and perceptions of various teaching styles. Learning and Instruction, ۱۳, ۵۹۷-۶۰۹.

Brown, B. (۲۰۰۳). Teaching Style vs. Learning Style. Educational Resources Information Center, ۲۶, Retrieved August ۱۰, ۲۰۱۰, from <http://www.calpro-online.org/eric/docs/mr۴۱.pdf>.

Borich, G.D., & Tombari, M. L. (۱۹۹۵). Educational Psychology. Harper Collins College Publishers.

Stendler, B. Teaching & learning stulein the clinical seting. Med (۲۰۰۱), ۳۳: pp ۳۴۴- ۳۴۶ ۲۰۰۱

Prashing B. The power of diversity , published by bateman , vewzaland. (۲۰۰۲)

Pratt m. learning stgle and teaching styles in efl in ternational journal of applied linguistics ۲۰۰۱ ۱۱(۱): pp ۱-۲۰

Stendler, B. Teaching & learning stulein the clinical seting. Med (۲۰۰۱), ۳۳: pp ۳۴۴- ۳۴۶ ۲۰۰۱

Salvara M, Angela A, Bognarg. Aproliminary study to in sorstijate the in flunce of differen. teaching style on pupils goal orientation in physical education europoon physical education. europoon physical education. review ۲۰۰۶ vol ۱۲.

Opdenakker, M- C & Van Damme. J (۲۰۰۶), Teacher characteristics and teaching styles as effectiveness enhancing factors of classroom practice. Teaching and Teacher Education, ۲۲, ۱-۲۱.

Othman. N, Amiruddinb .M (۲۰۱۰). Different Perspectives of Learning Styles from VARK Model, Procedia Social and Behavioral Sciences, ۷, ۶۵۲ -۶۶۰.

- Yuksel.G (۲۰۰۸).Critical thinking and learning/teaching styles. Academic arastimlar, ۵۴-۷۳.
- Baumrind, D. (۱۹۹۱). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks- Gunn, R. Lerner & A. C. Petersen (eds.), The Encyclopedia on Adolescence.
- Emmer, E. T., & Stough, L. M. (۲۰۰۱). Classroom management: A critical part of educational psychology, with implications for teacher education. Educational Psychologist, ۳۶(۲), ۱۰۳-۱۱۲.
- Brophy, J. E. (۱۹۹۶). Teaching problem students. New York: Guildford.
- www. Gregorc AF. (۱۹۷۹) learning/teaching styles. Their nature and effects. Student learning style (pp.۱۹-۲۶).[http://faculty Coloradomth.edu/or/teaching -styles.htm](http://faculty.Coloradomth.edu/or/teaching-styles.htm)[http://www.focus on child.com/learning/art/a۰۰۰۰۱۴۷.html](http://www.focusonchild.com/learning/art/a۰۰۰۰۱۴۷.html).
- Mosston M. Teaching: from command to discovery wadsworth publishing company , The ,Inc ۱۹۹۲.
- Benthams. Psychology education published by routledge. The newyork ۲۰۰۲.
- Hughes, J. N. (۲۰۰۲). Authoritative teaching: tipping the balance in favor of schoolversus peer effects. Journal of School Psychology, ۴۰(۶), ۴۸۵-۴۹۲.